



تاریخچه آزمایشگاه در ایران

انتخاب و ویرایش: دکتر فریدون سیامک‌نژاد

تدریس داروسازی در دارالفنون برای خرید وسایل یک لابراتوار برای رشته داروسازی به اروپا رفت و پس از خرید و ارسال وسایل لازم کار، لابراتواری در دارالفنون تأسیس و با همکاری دکتر پولاک مبادرت به امتحانات شیمیایی معمولی و آموزش داروسازی و طب نمود.

به موازات فعالیت‌های معلمان نام‌برده، دو نفر پزشک خارجی دیگر یکی فرانسوی به نام دکتر دزیره تولوزان (Dr. Tholozan) و دیگری هلندی به نام دکتر یوهان شلیمر (J. Shlimmer) که پزشکان دربار ناصرالدین شاه بودند و با خود وسایل لازم را همراه آورده بودند، مبادرت به برخی امتحانات لابراتواری می‌نمودند ولی فعالیت‌های آن‌ها

۱ - مراحل ابتدایی و فعالیت‌های انفرادی
به سال ۱۲۶۸ هجری قمری در زمان صدارت میرزاتقی‌خان امیرکبیر بانی و مؤسس دارالفنون عده‌ای از معلمان خارجی برای تدریس رشته‌های مختلف علمی از جمله طب و داروسازی از کشور اتریش و هنگری سابق برای دارالفنون استخدام و به موجب روزنامه وقایع‌اتفاقیه شماره ۲ صفحه اول به تاریخ ۲۶ محرم ۱۲۶۸ (مطابق آذر ۱۲۳۰ و اکتبر ۱۸۵۱) در میان معلمانی که به ایران آمدند طبیبی به نام دکتر ادوارد ژاکوب پولاک (Dr. E.J. Polak) برای تشریح و جراحی و دکتر فوکتی (Dr. Focati) برای داروسازی انتخاب شدند. دکتر فوکتی پس از دو سال خدمت و

منحصراً برای بیماران درباری بود. در سال‌های بعد عده دیگری از پزشکان خارجی به گروه معلمان دارالفنون پیوستند از آن جمله دکتر ژورژ (Dr. Georges)، دکتر بلان (Dr. Blanc) و دکتر آلبو (Dr. Albo) که در کلاس‌های طب و داروسازی دارالفنون خدمت می‌نمودند و در آموزش و آزمایش‌های طبی و داروسازی سهم داشتند. البته، عده‌ای از ایرانیان پزشک و داروساز در همکاری با خارجی‌ان در تأسیس و اداره مدرسه طب و داروسازی دارالفنون نقش به‌سزایی داشته‌اند که سردسته آنان را باید میرزا کاظم محلاتی دانست. در همین اوان در نزدیکی دارالفنون (خیابان ناصرخسرو) داروخانه‌ای توسط یک داروساز آلمانی به نام شورین (Shwerin) تأسیس گردید که بیشتر به تهیه داروهای درباریان مظفرالدین شاه و اعیان و اشراف آن زمان مبادرت می‌کرد. در گوشه‌ای از همین داروخانه بود که قرع و انبیق و وسایل آزمایشگاهی مختصری گذاشته شده بود و امتحان ادرار توسط شورین انجام می‌گرفت و عده زیادی از متمکنان و اعیان زمان برای اطلاع از این که مبتلا به بیماری دیابت هستند یا خیر، ادرار خود را به داروخانه شورین می‌فرستادند. پس از مدتی فعالیت، شورین جای خود را به داروساز دیگری به نام اوژون بناطی (E. Bonati) داد و او نیز فعالیت‌های داروسازی و تجزیه ادرار را کماکان ادامه می‌داد و قسمتی از داروخانه او را آزمایشگاه اشغال نموده بود و تا آن تاریخ یعنی قریب ۷۰ سال^۱ قبل، آزمایشگاه مدرسه طب و داروسازی دارالفنون و آزمایشگاه دکتر بناطی منحصراً آزمایشگاه‌های ایران را تشکیل می‌دادند. دکتر بناطی که سمت

کنسول افتخاری نروژ را نیز داشت سالیان درازی در ایران بود و تا شروع جنگ بین‌المللی اول به خدمت خود در داروخانه ادامه داد و با آغاز جنگ جای خود را به یکی از شاگردانش به نام مولیون (Molion) سپرد و خود به آلمان موطن خویش بازگشت. از آن پس موضوع تجزیه مواد به ذهن پزشکان و رؤسای بیمارستان‌های تهران خطور نمود و در بیمارستان دولتی (این سینای کنونی) و بیمارستان آمریکایی تهران وسایل آزمایشگاهی فراهم آمد و نیز برخی از اطباء سفارتخانه‌ها خصوصاً دکتر نلیگان (Neligan) پزشک سفارت انگلیس و برخی از اطباء ایرانی که تحصیلات خود را در خارج انجام داده بودند وسایل آزمایشگاهی تهیه کرده، برخی از امتحانات آزمایشگاهی را در مطب خود انجام می‌دادند. باید قبول کرد که خدمات این افراد در امتحانات ادرار و برخی مواد دیگر که پزشکان ایرانی و خارجی به ابتکار خود در ایران آغاز نمودند از هر لحاظ در خور توجه است و این افراد سهمی در بنیان‌گذاری آزمایشگاه‌های طبی ایران دارند ولی آن‌چه مسلم است دوران نهضت آزمایشگاه‌های کامل و متکی به روش‌های علمی جدید توسط کارشناسان یا وسایل پیشرفته در ایران با تأسیس انستیتو پاستور ایران در سال ۱۲۹۹ شمسی و با تشکیل انستیتو حصارک (انستیتو رازی کنونی) در سال ۱۳۰۳ و بنگاه بهداشت در سال ۱۳۱۵ که بعداً به نام آزمایشگاه مرکزی وزارت بهداشت نامیده شد، آغاز می‌گردد. این مؤسسات اولین سازمان‌هایی بودند که برای تشخیص بیماری‌ها، مطالعات اپیدمیولوژیک، تهیه سرم و واکسن و بررسی‌های پزشکی و خدمات

واکسن‌های مختلف، خدمات انستیتو پاستور مورد توجه پادشاه ایران قرار گرفت و دستور اقدامات لازم جهت تأسیس مؤسسه مشابهی را در ایران به دکتر حکیم‌الدوله داد. براساس این دستورات در اکتبر سال ۱۹۱۹ هیئتی از طرف دولت ایران به منظور مذاکره برای تأسیس انستیتو پاستور ایران به پاریس رفت و با دکتر رو (E. roux) رئیس وقت انستیتو پاستور پاریس ملاقات و مذاکرات لازم را به عمل آورد.

اعضای این هیئت مرکب بود از ذکاءالملک نماینده دولت ایران در کنفرانس صلح، دکتر لقمان‌الدوله رئیس وقت مدرسه طب و دکتر محمودخان معتمد پزشک مخصوص شاهزاده فرمانفرما. درخواست نمایندگان ایران مورد قبول دکتر رو و تأیید دکتر کالمت (Calmette) قرار گرفت و دکتر رو یکی از همکاران خود دکتر منارد (Menard) را برای این منظور و مطالعه در امر تأسیس انستیتو پاستور مأمور ساخت و بعداً پرفسور لگرو (Legroux) به‌عنوان رئیس افتخاری انستیتو پاستور ایران انتخاب شد.

پس از مذاکرات مفصل و تبادل نظرهای لازم بین نمایندگان ایران و متولیان انستیتو پاستور پاریس سرانجام در آوریل ۱۹۲۰ دکتر منارد با قبول این مسؤولیت عازم ایران گردید. در آن زمان وضع ایران بسیار نابسامان بود که منجر به کودتای ۱۲۹۹ ش. گردید و در نتیجه، دکتر منارد مدتی را در بلاتکلیفی گذراند تا این که با سامان یافتن اوضاع، به امر سردار سپه و با دریافت مبلغی پول از محل عواید گمرکات و آشنا شدن با عده‌ای از ایرانیان و برخی همکاران و افرادی که شایستگی

قرنطینه‌ای در ایران تشکیل شدند. مؤسسات مذکور از بدو تشکیل ضمن خدمات بهداشتی و پزشکی به تربیت افراد لازم برای توسعه این گونه فعالیت‌ها در کشور اقدام نمودند. به موازات تأسیس و فعالیت مؤسسات نام برده، دایره تأسیس آزمایشگاه‌ها در بیمارستان‌های مختلف اعم از کشوری و لشگری و خصوصی توسعه یافت و در سال‌های بعد توسط وزارت بهداشتی، بهداری‌های نیروهای مسلح، دانشکده‌های پزشکی و سازمان‌های طبی و بهداشتی دیگر رو به تکامل گرایید و هماهنگ با تکمیل بیمارستان‌ها و وسایل کار و زیاد شدن تعداد پزشکان تحصیل کرده و متخصصان رشته‌های مختلف، عده‌ای در ایران یا خارج در رشته‌های علوم آزمایشگاهی تخصص پیدا کرده، مبادرت به تأسیس آزمایشگاه‌های خصوصی در تهران و شهرستان‌ها نمودند و بدین نحو ظرف ۵۰ سال مؤسسات آزمایشگاهی کامل در سراسر کشور تشکیل و به فعالیت‌های تشخیصی، اپیدمیولوژیک، سم‌شناسی، بررسی‌های مختلف مواد مصرفی و تهیه سرم و واکسن مورد احتیاج کشور پرداختند.

۲ - تاریخچه انستیتو پاستور ایران

در سال‌های ۱۲۹۷ و ۱۲۹۸ که احمدشاه قاجار مسافرتی به اروپا کرد، ضمن بازدید از کشور فرانسه، در برنامه بازدیدهای ایشان، یک روز مخصوص دیدار از انستیتو پاستور پاریس بود. در این بازدید مرحوم دکتر حکیم‌الدوله (محمدحسن لقمان ادهم) پزشک مخصوص همراه ایشان بود. ضمن مشاهده کارهای علمی این مؤسسه و فعالیت آزمایشگاه‌های تشخیص و بخش‌های تهیه سرم و

کمک و همکاری با ایشان را داشتند، انستیتو پاستور ایران را در محل اجاره‌ای در خیابان استخر کنونی (باغ مرحوم مدبرالدوله سمیعی) تأسیس و فعالیت خود را آغاز نمود.

از جمله افرادی که از بدو شروع به کار همکاری نزدیکی با دکتر منارند داشته او را یاری نمودند، دکتر ابوالقاسم بهرامی، دکتر یحیی پویا، دکتر حسین مشعوف، دکتر احمد نجم‌آبادی و تیمور دولتشاهی بودند و همکاری این افراد برای دکتر منارند بسیار ذی‌قیمت بود.

در همان سال‌های اولیه که دکتر منارند بخش‌های خود را در مکان‌های موقتی و اجاره‌ای سر و سامان می‌داد و آغاز به فعالیت می‌نمود شاهزاده عبدالحسین فرمانفرما زمین مشجری (محل فعلی انستیتو پاستور ایران) با آب، وقف انستیتو پاستور کرد و مقدار لازم پول برای ساختمان مورد نیاز در اختیار انستیتو پاستور ایران قرار داد. آزمایشگاه‌های انستیتو پاستور در بدو امر مشتمل بر آزمایشگاه تشخیص طبی، آزمایشگاه مطالعات اپیدمیولوژیک و مبارزه با بیماری‌های واگیر، آزمایشگاه شیمی و قسمت تهیه واکسن آبله و بالاخره مرکزی برای نگهداری سرم‌ها و برخی واکسن‌های انسانی بود که از انستیتو پاستور پاریس وارد می‌کردند و در دسترس بیماران می‌گذاشتند. در حقیقت اولین آزمایشگاه تشخیص طبی مجهز دولتی ایران در انستیتو پاستور تشکیل شد.

دکتر منارند پس از پنج سال ایران را ترک کرد و همکار نزدیکش دکتر ابوالقاسم بهرامی کفالت انستیتو پاستور را به عهده گرفت. در سال ۱۹۲۵ به جای دکتر منارند یک متخصص فرانسوی

دیگر به نام دکتر کراندل (Kerandel) از پاریس مأمور اداره انستیتو پاستور ایران شد و فعالیت‌های انستیتو پاستور را بر مبنای پیشرفت‌های تازه‌ای که نصیب متخصصان در فرانسه شده بود با کمک همکاران ایرانی خود از جمله دکتر بهرامی، دکتر قدسی، دکتر میردامادی، دکتر مشعوف، دکتر احمد نجم‌آبادی، دکتر وارطانی، تیمور دولتشاهی و عده‌ای دیگر توسعه داد و این همکاری باعث شد که دامنه فعالیت و خدمات انستیتو پاستور گسترش بیشتری یابد.

دکتر کراندل در سال ۱۹۳۴ در تهران درگذشت و این بار دکتر حسین مشعوف به کفالت انستیتو پاستور انتخاب و مشغول کار شد. یک سال بعد از طرف انستیتو پاستور پاریس، پرفسور لگرو (Legroux) به‌عنوان مدیر علمی انستیتو پاستور ایران تعیین و قرار شد سالی دو سه بار برای سرکشی و تعیین خط مشی کار به ایران مسافرت نماید و امور انستیتو پاستور را از دور زیر نظر بگیرد و در مدت غیبت ایشان انستیتو پاستور زیر نظر دکتر بهرامی باشد. تا آغاز جنگ بین‌المللی دوم پرفسور لگرو چند بار به ایران سفر کرد و دکتر بهرامی و همکارانش هم‌چنان به اداره انستیتو پاستور ادامه می‌دادند.

از سال‌های ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ بر اثر جنگ جهانی دوم رابطه انستیتو پاستور ایران با انستیتو پاستور پاریس قطع شد و این مؤسسه به ریاست دکتر بهرامی و معاونت دکتر مهدی قدسی با همکاری دیگر کارمندان ایرانی هم‌چنان به فعالیت‌های خود ادامه داد.

به‌طور کلی، در سال‌های قبل از جنگ که تعداد

آزمایشگاه تشخیص طبی در ایران با تأسیس انستیتو پاستور آغاز می‌شود.

۳ - تاریخچه انستیتو رازی

در اوایل سلطنت رضاشاه اداره کل فلاحت که تابع وزارت فواید عامه بود سازمان کشاورزی نوینی را در کشور بنیان نهاد. در آن زمان دامداری که از قرن‌ها پیش مهم‌ترین محل درآمد مردم این سرزمین را تشکیل می‌داد به سبب بروز و شیوع بیماری‌های واگیر دامی رو به زوال می‌رفت و از جمله آفت طاعون گاوی، نسل گاو را در شمال و غرب ایران مورد تهدید قطعی قرار داده بود. در چنین وضعی اداره کل فلاحت به منظور مبارزه با بلای خطرناک طاعون گاوی و دیگر بیماری‌های واگیر حیوانات در کشور و در عین حال لزوم توجه به مقررات بین‌المللی و جلوگیری از اشاعه این بیماری‌های خطرناک به کشورهای مجاور، فعالیت‌های سریعی را در جهت مطالعه و تشخیص و پیشگیری طاعون گاوی و سایر بیماری‌های حیوانی ضروری دانست و برای این منظور از انستیتو پاستور ایران که در آن زمان یگانه مؤسسه ذی‌صلاحیت کشور بود کمک خواست. چون در آن زمان هنوز واکسن ضدطاعون گاوی کشف نشده بود یگانه راه مبارزه با این بیماری روش «سروانفکسیون» بود و باید مقدار زیادی سرم حیوانی تهیه گردد.

در اجرای این امر چون انستیتو پاستور محل مناسبی برای نگهداری حیوانات بزرگ نداشت، به دستور صمصام‌الملک بیات، معاون زراعت فواید عامه مقداری از اراضی کمال‌آباد جنب قریه حصارک که محل چاپارخانه بود در اختیار انستیتو

آزمایشگاه‌ها خیلی محدود و فعالیت‌های آن‌ها کفاف احتیاجات کشور را نمی‌داد اکثراً مسایل بهداشتی کشور که در حوزه مسؤولیت اداره کل صحنه مملکتی بود از طریق انستیتو پاستور ایران حل و فصل می‌شد که یکی از آن فعالیت‌ها بررسی بهداشتی قرنطینه‌های کشور بود و انستیتو پاستور به همت مسؤولان امر و مساعی و جدیت‌های رؤسای وقت صحنه کل مملکتی (دکتر احیاءالملک، دکتر احیاءالسلطنه، دکتر امیراعلم و دکتر لقمان‌الملک) مبارزه با بیماری‌های واگیر به خصوص وبا را در کشور به نحو احسن انجام داد و از سال ۱۳۱۵ به بعد که مؤسسه بهداشت وزارت بهداشت نیز تشکیل شد، مساعی آقای دکتر مشعوف و همکارانشان در مؤسسه مذکور در اجرای این‌گونه خدمات بسیار ذی‌قیمت و مؤثر بود.

ساختمان‌های جدید در فروردین ماه سال ۱۳۲۷ طی مراسمی، با شرکت پرفسور پاستور والرئو رادو رئیس شورای انستیتو پاستور پاریس و ژورژ سیدو (G. Sydoux) رئیس امور فرهنگی وقت وزارت امور خارجه فرانسه و پرفسور ژورژ بلان (G. Blanc) رئیس انستیتو پاستور کازابلانکا و سفیر و اعضای سفارت فرانسه در تهران و عده زیادی از شخصیت‌های علمی وزارت بهداشت، دانشگاه تهران و شخصیت‌های دیگر کشور افتتاح گردید.

ذکر این نکته شایان توجه است که آزمایشگاه‌های تشخیص طبی انستیتو پاستور از اولین آزمایشگاه‌هایی است که در کشور ما تأسیس شده و سالیان دراز مرجعی مورد اعتماد و مورد احتیاج جامعه پزشکی و بیماران بوده است و به همین دلیل است که می‌توان گفت تاریخچه

پاستور گذاشته شد تا به‌عنوان محل کار و سکونت کارمندان و طولیله‌های نگهداری حیوانات برای تهیه سرم در نظر گرفته شود و به صورت آزمایشگاه دامپزشکی وابسته به انستیتو پاستور فعالیت کند. این تشکیلات بعدها زیر نظر دکتر حامدی قرار گرفت که با همکاری عده‌ای دامپزشک و پزشک و مهندس از آن جمله دکتر حسن میردامادی، دکتر مشعوف، مهندس ابوالحسن ابوذر، دکتر علی محمد ثمری، مهندس زندگی، دکتر علی ادیب و آقایان بهرامی و نصیری فعالیت دامنه‌داری در تهران و استان‌های آذربایجان، گیلان و مازندران آغاز نمود و شالوده یک تشکیلات دامپزشکی برای مطالعات و تهیه مواد بیولوژیکی گذاشته شد و پس از هفت سال فعالیت و تکمیل وسایل و توسعه آن‌ها بالاخره در سال ۱۳۱۰ رسماً به نام «مؤسسه تحقیقات دامپزشکی حصارک» نام‌گذاری شد و یک نفر دامپزشک فرانسوی به نام دکتر لوئی دلپی (۱) که مورد تأیید همکاران ایرانی خود بود برای اداره این مؤسسه جدید استخدام شد و با همکاری همان گروه اولیه جوانان ایرانی در اتاق‌های محقری که در حصارک در اختیارشان بود، فعالیت خود را آغاز و سپس گسترش دادند. بعداً به مرور تعداد دیگری از جوانان ایرانی که تحصیلات خود را در رشته دامپزشکی در ایران و خارج انجام داده بودند به این گروه پیوستند و سازمان این آزمایشگاه را وسیع‌تر و دامنه فعالیت آن را توسعه داده به مطالعه بیماری‌های دامی و مبارزه علیه آن‌ها از راه تهیه سرم‌ها و واکسن‌های لازم پرداختند. در نتیجه، این فعالیت‌های پیگیرانه بود که بیماری طاعون گاوی ظرف سال‌های اول ریشه‌کن شد و علاوه

بر آن بررسی بیماری‌های دامی در ایران به صورت فعالی درآمد.

با این وجود، باید گفت که مؤسسه حصارک و آزمایشگاه‌های تحقیقات دامپزشکی اولین آزمایشگاه مجهز تشخیص بیماری‌های دامی و تهیه سرم و واکسن‌های مربوط بود که در ایران تأسیس گردید.

در سال ۱۳۱۷ انستیتو حصارک با کمک انستیتو پاستور ایران و انستیتو پاستور پاریس به توسعه آزمایشگاه‌ها و تهیه سرم و واکسن‌های انسانی اقدام نمود و به نتایج جالبی هم دست یافت؛ اما متأسفانه جنگ جهانی دوم باعث رکود کار و محدودیت تهیه وسایل و روابط علمی گردید ولی با همه این مشکلات، تهیه سرم‌های ضد‌دیفتری و کزاز و آناتوکسین‌های این دو بیماری که در زمان جنگ نایاب شده بود با موفقیت روبه‌رو شد و انستیتو حصارک توانست احتیاج‌های کشور را از این جهت تأمین کند.

دکتر دلپی مدت ۲۰ سال (از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۰ ش.) در ایران خدمت نمود و اداره انستیتو حصارک که به نام «انستیتو رازی» نام‌گذاری شده بود در سال ۱۳۳۰ ش. به عهده همکاران ایرانی او و تحت ریاست دکتر عزیز رفیعی قرار گرفت و دکتر دلپی به فرانسه بازگشت.

همکاران ایرانی انستیتو رازی از آن تاریخ تاکنون با همت و پشتکار خاص خود در پیشبرد هدف‌های این مؤسسه و بالا بردن مقام علمی و خدماتی انستیتو رازی همت گمارده‌اند و محصولات بیولوژیکی حیوانی و انسانی مصرفی ایران و کشورهای مجاور را تهیه نموده به‌علاوه مطالعات

علوم آزمایشگاهی نیز به شمار می‌رفت. مؤسسه بهداشت دارای بخش‌های مختلفی بود از جمله بخش سرم‌شناسی زیر نظر دکتر مشعوف و دکتر حسن میردامادی، بخش میکروب‌شناسی زیر نظر دکتر حسین سهراب و دکتر مهدی ذوالریاستین، بخش آسیب‌شناسی زیر نظر دکتر مصطفی حبیبی و بخش شیمی زیر نظر دکتر گایگ و دکتر محمودزاده، به‌علاوه تعدادی از پزشکان جوان به‌عنوان دستیار با این متخصصان همکاری داشتند و یا کارآموزی می‌نمودند.

این مؤسسه تمام امور تشخیص آزمایشگاهی بیماران بیمارستان‌های تهران، پزشکان خصوصی و مؤسسات خیریه را انجام می‌داد و در امور قرنطینه‌ای و اپیدمیولوژیک و برنامه‌های بهداشتی مشاوره برای دستگاه‌های بهداشتی و درمانی کشور بود و در اجرای همین برنامه‌ها شعباتی در برخی از مراکز استان‌ها نیز دایر نمود.

در سال ۱۳۱۸ ش. که سازمان جدید دانشکده پزشکی تهران توسط پرفسور اوبرلین (Ch. Oberling) تشکیل شد، بیمارستان‌های بهداشتی به دانشکده پزشکی واگذار گردید و ضمن همین نقل و انتقالات تعدادی از بخش‌های مؤسسه بهداشت نیز به دانشکده پزشکی دانشگاه تهران منتقل شد و همان‌ها بودند که در حقیقت هسته اولیه اکثر بخش‌های آزمایشگاهی دانشکده پزشکی تهران را تشکیل دادند و اکثر رؤسای همان بخش‌ها با سمت دانش‌یاری به دانشکده پزشکی تهران منتقل شدند و وسایل کار و کارمندان فنی خود را نیز همراه خود آورده، فعالیت خدماتی خود را با آموزش پزشکی دانشجویان و دستیاران توأم نمودند.

علمی برجسته‌ای که در محافل و مجلات علمی جهان منعکس است انجام داده‌اند.

این مؤسسه اکنون در ردیف یکی از بزرگ‌ترین مؤسسات مشابه بین‌المللی است که دارای اعتبار بلند در جهان می‌باشد. خدمات علمی و همکاری‌های بین‌المللی این مؤسسه با سازمان‌های مشابه در کشورهای دیگر و سازمان بهداشت جهانی در خور تحسین و ستایش است.

۴- تاریخچه بنگاه بهداشت اداره کل بهداشتی

در سال ۱۳۱۵ که پرفسور لگرو رئیس افتخاری انستیتو پاستور ایران برای بازدید از این انستیتو به تهران آمد متوجه شد که آزمایشگاه‌های تشخیص طبی انستیتو پاستور قسمت زیادی از وقت کارکنان و آزمایشگاه‌های این انستیتو را می‌گیرد و در این زمینه به اداره کل بهداشتی پیشنهاد نمود که بهتر است فعالیت‌های انستیتو پاستور ایران منحصراً صرف تهیه مواد بیولوژیکی انسانی و بررسی‌های علمی و تجربی گردد. در اجرای این برنامه آزمایشگاه‌های تشخیص طبی انستیتو پاستور که سالیان درازی خدمات گران‌بهرایی به بیماران و پزشکان نموده بود تعطیل و فعالیت‌های آن به آزمایشگاه‌های جدیدی که توسط اداره کل بهداشتی تشکیل شد واگذار گردید.

مؤسسه جدید در خیابان ناصرخسرو جنب دارالفنون به نام «مؤسسه بهداشت» توسط دکتر حسین مشعوف تشکیل شد و این سازمان اولین مؤسسه آزمایشگاهی تشخیص طبی وزارت بهداشت بود که در ضمن خدمات تشخیصی، بهداشتی و اپیدمیولوژیکی، مرکزی جهت آموزش بهداشت و

فعالیت دانشگاهی نیز داشته‌اند و در حقیقت در حین اشتغال به آموزش رشته تخصصی خود، در آزمایشگاه‌های دانشکده پزشکی و یا آزمایشگاه‌های مؤسسات دیگر دولتی یا خصوصی نیز خدمت می‌کرده‌اند، از این رو، فهرست‌وار به تاریخچه تأسیس آزمایشگاه‌های دانشکده پزشکی تهران که قدیمی‌ترین دانشکده پزشکی ایران است می‌پردازیم:

تا سال ۱۳۱۸ ش. که سازمان نوین دانشکده پزشکی توسط پرفسور شارل اوبرلین (Ch. Oberling) پیشنهاد شد آزمایشگاه‌های دانشکده طب فقط جنبه آموزشی داشت و هیچ‌گونه فعالیت خدماتی در کار نبود زیرا دانشکده پزشکی، بیمارستان یا درمانگاهی وابسته به خود نداشت. در هر یک از آزمایشگاه‌ها وسایل کار مختصری همراه با فرآورده‌های تهیه شده از قبل که اکثراً در خارج از کشور تهیه شده بودند، وجود داشت و دانشجویان ضمن مطالعه علوم نظری آزمایشگاهی به امتحانات میکروسکوپی مختصری مبادرت می‌نمودند. در سال ۱۳۱۸ که بیمارستان‌های بهداشتی به دانشکده پزشکی دانشگاه تهران منتقل شد، اکثر متخصصان رشته‌های مختلف آزمایشگاهی که در مؤسسه بهداشت خدمت می‌نمودند نیز به دانشکده پزشکی تهران منتقل شدند و در نتیجه آزمایشگاه‌های دانشکده پزشکی صورت دیگری به خود گرفت و به صورت سازمان‌های مجهزی درآمد که ضمن انجام خدمات تشخیصی جهت بیماران بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های دانشکده پزشکی و تحقیقات علمی، آموزش علوم آزمایشگاهی را به وضع صحیح و دنیاپسندی به دانشجویان عرضه می‌نمود. این

فعالیت مؤسسه بهداشت از این پس بیشتر صرف تعلیم بهداشت و بررسی‌های اپیدمیولوژیک در قسمت‌های مختلف کشور می‌شد و نام این مؤسسه بعداً به آزمایشگاه مرکزی وزارت بهداشت تغییر یافت و همچنان به فعالیت‌های خود ادامه می‌داد تا در تشکیلات نوین وزارت بهداشتی در سال ۱۳۴۲، با تشکیل اداره کل آزمایشگاه‌ها تمام مؤسسات آزمایشگاهی وزارت بهداشتی در یکدیگر ادغام و «آزمایشگاه رفرانس وزارت بهداشتی» تشکیل گردید که مرکز مجهزی برای امتحانات آزمایشگاهی طبی - بررسی روش‌های استاندارد و مطالعات اپیدمیولوژیک و آموزش آزمایشگاهی است. این مرکز از بدو تأسیس دامنه فعالیت‌های خود را توسعه داده و در کلیه مراکز استان‌ها و شهرستان‌های کشور شعبه‌هایی دایر نموده است به طوری که امروزه کلیه نقاط کشور را مجهز به آزمایشگاه‌های کامل و قابل اعتمادی نموده است.^۲

۵ - نظری به تأسیس آزمایشگاه‌های دانشکده‌های پزشکی

با این که بحث درباره تأسیس آزمایشگاه‌های آموزشی، خدماتی و تحقیقاتی دانشکده‌های پزشکی که قسمتی از سازمان بزرگ دانشکده‌ها است، خارج از بحث ما درباره تاریخچه آزمایشگاه‌ها می‌باشد زیرا دانشکده‌های پزشکی دستگاه‌های آموزشی هستند که ضمن آموزش پزشکی که وظیفه اصلی آنها است، به خدمات طبی و اپیدمیولوژیک نیز می‌پردازند، با این وجود، چون اکثر کسانی که بنیان‌گذار اولین آزمایشگاه‌های تخصصی کشور بوده‌اند و در فصول قبل یادی از آنان شده است،

آزمایشگاهی که در آغاز تحول در دانشکده پزشکی به همت عده‌ای محدود بنیان گذاشته شده بود، روزبه‌روز بارورتر شد و گسترش بیشتری یافت و همگام با سایر پیشرفت‌های کشور، آزمایشگاه‌های دانشکده پزشکی نیز به پیشرفت‌های زیادی نایل آمد که انتشارات علمی و گزارش‌های هیئت‌های آموزشی این آزمایشگاه‌ها به کنفرانس‌های بین‌المللی بهترین گواه آن است.

۶ - تاریخچه تأسیس آزمایشگاه آسیب‌شناسی و انستیتو سرطان

از آن‌جا که آسیب‌شناسی رشته خاصی است و نسبت به سایر رشته‌های آزمایشگاهی کمتر مورد احتیاج عامه مردم و پزشکان عمومی است و در حقیقت همگام با پیشرفت‌های فن و علم جراحی و اندوسکوپی ضرورت استفاده از آن بیشتر درک می‌شود در ابتدای کار تأسیس آزمایشگاه‌های تشخیصی طبی در ایران، مورد توجه قرار نگرفت و سال‌ها پس از دیگر رشته‌ها در ایران رواج یافت. تا سال ۱۳۱۵ ش. که اولین آزمایشگاه آسیب‌شناسی تأسیس گردید در مواردی که برای بیماران احتیاج به آزمایش‌سنجی می‌شد، بافت برداشته شده به خارج از کشور ارسال می‌گردید و این امر در مورد همه بیماران مقدور نبود و تقریباً منحصر به مواردی بود که بیمار به بیمارستان‌های آمریکایی، بیمارستان‌های شرکت نفت یا پزشکان خارجی سفارت‌خانه‌ها مراجعه می‌نمود و این مؤسسات به واسطه تسهیلاتی که در امر ارسال بافت به خارج برایشان فراهم بود از این آزمایش استفاده می‌کردند و در حقیقت اکثر بیماران و

آزمایشگاه‌ها که با وسایل کار و کارمندان فنی مؤسسه بهداشت به دانشکده پزشکی منتقل شده بود از بدو شروع به کار در دانشکده پزشکی کاملاً آماده کار و خدمت بوده و در حقیقت باید گفت که اکثر بنیان‌گذاران آزمایشگاه‌های تشخیصی طبی مؤسسه بهداشت (دکتر حسین سهراب، دکتر مصطفی حبیبی، دکتر اسداله شیبانی، دکتر گاگیک و دکتر حسن میردامادی) فعالیت‌های آزمایشگاهی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران را آغاز نمودند و هر کدام در سمت استادی رشته تخصصی خود در دانشکده پزشکی به خدمات خویش ادامه دادند. بعداً عده‌ای دیگر از متخصصان به این گروه پیوستند و آزمایشگاه‌ها و سازمان‌های جدید را به هسته اولیه اضافه نمودند؛ از آن جمله هستند دکتر ناصر انصاری که سازمان جدید آزمایشگاه‌های انگل‌شناسی، انستیتو مالریالوژی و بالاخره انستیتو تحقیقات بهداشتی را بنیان نهاد و دکتر یحیی پویا که یکی از قدیمی‌ترین متخصصان آزمایشگاه و رئیس آزمایشگاه بیمارستان‌های شهرداری تهران بود و بعداً بنیان آزمایشگاه‌های خون‌شناسی را در دانشکده پزشکی نهاد و بالاخره دکتر آرمائیس وارطانی که بنیان‌گذار آزمایشگاه شیمی دانشکده پزشکی است.

تشکیل آزمایشگاه‌های مجهز در بیمارستان‌های تابعه دانشکده‌های پزشکی و مراکز پزشکی و تأسیس آزمایشگاه‌های تخصصی تازه دیگر خصوصاً در زمینه ایمونولوژی و شیمی بیولوژی از فعالیت‌هایی است که در سال‌های اخیر نصیب دانشکده‌های پزشکی شده است.

به‌طور خلاصه، باید گفت که آن هسته اولیه

پزشکان ایران از این وسیله تشخیصی که در اکثر موارد قاطع است و در تعیین سرنوشت بیمار و مشی درمان جنبه حیاتی دارد، محروم بودند.

آموزش آسیب‌شناسی نیز در دانشکده پزشکی تهران خیلی ناقص بود و فقط به صورت علم نظری و مختصری بررسی میکروسکوپی از روی برش‌های تهیه شده در خارج انجام می‌شد؛ به همین مناسبت متأسفانه پزشکان فارغ‌التحصیل از دانشکده پزشکی تهران در آن دوران بهره کامل از این علم نداشته و بالطبع در دوران طبابت خود نیز استفاده‌ای از این روش تشخیصی نمی‌کردند.

در سال ۱۳۱۵ ش. اولین آزمایشگاه آسیب‌شناسی توسط اداره کل بهداشتی در مؤسسه بهداشت زیر نظر دکتر مصطفی حبیبی تأسیس شد و فعالیت خود را آغاز کرد.

نظر به احتیاج مبرمی که به استفاده از آسیب‌شناسی در ایران احساس می‌شد، علی‌رغم محدود بودن وسایل کار و نداشتن کادر فنی کاردان، فعالیت این آزمایشگاه به سرعت رو به توسعه رفت. این آزمایشگاه به موازات فعالیت‌های خدماتی به منظور آشنا نمودن پزشکان با این روش تشخیصی و طرق بافت‌برداری و نگهداری ارسال آن به آزمایشگاه و نشان دادن نتایج تشخیصی جلسات کنفرانس و بحث در مؤسسه بهداشت و انجمن پزشکان که در آن زمان به همت دکتر حبیب عدل در منزل ایشان تشکیل می‌شد، ترتیب می‌یافت تا پزشکان علاوه بر دیدار بیمار و مقایسه وضع بالینی او با نتایج آزمایش آسیب‌شناسی و با توجه به نظر پزشک معالج، وضع بیمار مورد بحث و مشاوره قرار گیرد. اهمیت تشکیل این جلسات در این بود

که ضمن نشان دادن لزوم همکاری پزشک معالج با متخصص آسیب‌شناسی به منظور رسیدن به تشخیص نهایی کمک لازم به دانش آسیب‌شناسی پزشکانی که در دوران تحصیل از آموزش این علم محروم بوده‌اند، بشود. به همین منظور نیز جزوات و یادداشت‌هایی چاپ و بین پزشکان توزیع می‌شد که همواره در اختیار داشته باشند و در این جزوات لزوم همکاری نزدیک و تبادل نظر بین آسیب‌شناس و پزشک معالج برای رسیدن به هدف نهایی که تشخیص بیماری بود به آنان گوشزد می‌شد و حقیقتاً باید گفت که این فعالیت‌ها در بادی امر برای شناسانیدن علم آسیب‌شناسی بسیار مؤثر بود. آزمایشگاه آسیب‌شناسی مؤسسه بهداشت مدت دو سال در خدمت بیماران تهران و شهرستان‌ها و خصوصاً مراجعان بیمارستان‌ها و بخش‌های جراحی بود تا این که در سال ۱۳۱۸ ش. به دانشکده پزشکی تهران منتقل و بخش آسیب‌شناسی علمی و عملی در دانشکده پزشکی تهران تأسیس شد تا ضمن ادامه برنامه خدماتی سابق خود مبادرت به آموختن آسیب‌شناسی به صورت علمی و عملی به دانشجویان پزشکی بنماید.

دومین آزمایشگاه آسیب‌شناسی برای انجام مراجعات بیمارستان‌های ارتش به همت دکتر قلی بوندی در سال ۱۳۱۸ ش. در بیمارستان پهلوی (امام خمینی کنونی) گشایش یافت و شروع به فعالیت نمود و هسته اولیه آزمایشگاه‌های آسیب‌شناسی کنونی بیمارستان‌های ارتش در آن سال گذاشته شد.

در سال‌های بعد با تأسیس دانشکده پزشکی در شهرستان‌ها، آزمایشگاه‌های آسیب‌شناسی نیز در

تأسیس مرکزی برای درمان سرطان پیشقدم شد؛ این تصمیم بعداً استوارتر گردید و علت آن اعتبار خرید سیصد میلی گرم رادیوم برای جمعیت بود که توسط پهلوی دوم به این مساله اختصاص یافت. به تقاضای جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران اولین پروژه تأسیس انستیتو سرطان در ایران در سال ۱۳۲۵ ش. توسط دکتر مصطفی حبیبی تهیه و در اختیار جمعیت شیر و خورشید گذاشته شد. پس از مطالعه‌های لازم و بررسی در راه اجرای این امر بالاخره در سال ۱۳۲۸ اولین مقاله‌نامه تأسیس یک مرکز درمان سرطان بین جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران و دانشکده پزشکی تهران به امضا رسید و محل تأسیس این مرکز را در یک ساختمان نیمه تمام در بیمارستان پهلوی (امام خمینی کنونی) تعیین نمودند و جمعیت شیر و خورشید سرخ اتمام ساختمان و تجهیز آن را متقبل شد.

تکمیل ساختمان و تجهیز بیمارستان مدت هشت سال به طول انجامید تا این که در سال ۱۳۲۶ اولین مرکز کبالت و بخش‌های رادیولوژی و بخش جراحی سرطان افتتاح و آماده بهره‌برداری گردید و به بیمارستان تاج پهلوی (انستیتو کانسر کنونی) موسوم شد. از طرف کرسی آسیب‌شناسی دانشکده پزشکی نیز آزمایشگاه مجهزی برای تکمیل فعالیت‌های بیمارستان تاج پهلوی تأسیس شد که بعداً با تأسیس کرسی سرطان‌شناسی دانشکده پزشکی و کمک‌های مادی سازمان برنامه، شرکت ملی نفت و شیر و خورشید سرخ و سازمان بهداشت جهانی به صورت یک مرکز مطالعه و تحقیقات سرطان و انجام امتحانات آسیب‌شناسی (مرکز تحقیقات علمی سرطان) درآمد. بیمارستان

آن دانشکده‌ها تأسیس شد و دامنه فعالیت‌های آسیب‌شناسی در کشور گسترش یافت.

آزمایشگاه آسیب‌شناسی دانشکده پزشکی تهران که از روز نخست بر مبنای صحیح بنیان‌گذاری شده بود از وجود پرفسور شارل اوبرلین رئیس دانشکده پزشکی که خود استاد این رشته بود، نیز برخوردار شد و همکاری نزدیکی که از سالیان قبل بین دکتر مصطفی حبیبی و پرفسور اوبرلین از دوران تخصص در دانشکده پزشکی پاریس آغاز شده بود در تهران به بهترین وجه ادامه یافت و همین امر باعث شد که آسیب‌شناسی در ایران رو به پیشرفت برود و ثمره آن مطالعات علمی و جالبی است که به همت این دو نفر و همکاری افراد جوانی که به گروه آسیب‌شناسی پیوستند، انجام گرفت و در جراید پزشکی ایران و خارجی منعکس شده است؛ به این ترتیب نتیجه بنیان‌گذاری صحیح و پشتکار و همکاری نزدیک افراد گروه آسیب‌شناسی و همت کلیه علاقمندان به این رشته بود که علم آسیب‌شناسی در مدت زمانی بس کوتاه در کشور توسعه قابل توجهی یافت و استفاده از این رشته اساسی علم طب نصیب پزشکان، بیماران و دانشجویان پزشکی گردید.

■ چگونگی تأسیس انستیتو سرطان در تهران

چون یکی از اساسی‌ترین قسمت‌های این انستیتو را آسیب‌شناسی تشکیل می‌داد، بنابراین، لازم بود تشکیلات آسیب‌شناسی مجهز و تعداد کافی متخصصین آماده همکاری باشند تا انستیتو سرطان تشکیل گردد. در اجرای این امر جمعیت شیر و خورشید سرخ ایران (هلال احمر کنونی) برای

تاج پهلوی تا سال ۱۳۴۵ ش. توسط شیر و خورشید سرخ ایران و دانشکده پزشکی تهران توأمآ اداره می‌شد تا این که در این سال اداره آن کلاً به دانشکده پزشکی واگذار شد.

چون مراجعه‌های بیماران سرطانی روز به روز زیادتر می‌شد پس از تکمیل ساختمان نیمه تمام دیگری که به منظور توسعه بیمارستان تاج پهلوی بنا شده بود، در اجرای برنامه توسعه فعالیت‌های خدماتی، آموزشی، تحقیقاتی و اپیدمیولوژیک در زمینه سرطان و بالاخره تأسیس یک مرکز آمار سرطان، در سال ۱۳۴۹ بیمارستان تاج پهلوی و مرکز تحقیقات سرطان در یکدیگر ادغام شدند و «انستیتو تاج پهلوی برای تحقیقات و مبارزه با سرطان» تأسیس شد و همکاری نزدیک واحدهای مختلف جراحی، پزشکی، رادیولوژی و رادیوتراپی، آسیب‌شناسی و اپیدمیولوژی و سایر رشته‌های تخصصی لازم در یک انستیتو واحد و

مستقل متمرکز گشت.

به‌طور خلاصه، آن چه درباره تأسیس و تشکیل آزمایشگاه‌های آسیب‌شناسی و فعالیت‌های آن باید گفت این است که در ظرف مدت کوتاهی دپارتمان آسیب‌شناسی به وجود آمد و توسعه قابل توجهی یافت و امروزه علاوه بر تأسیس آزمایشگاه‌های دولتی و خصوصی در کشور، اکثر بیمارستان‌های بزرگ اعم از دولتی یا خصوصی از همکاری آسیب‌شناسان برخوردار هستند و آموزش این رشته در تمام دانشکده‌های پزشکی ایران به صورت علمی و عملی به بهترین وجهی انجام می‌گیرد.

زیرنویس

۱. در حال حاضر حدود ۱۰۵ سال از آن زمان می‌گذرد.
۲. اخیراً اداره کل امور آزمایشگاه‌ها در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به «اداره کل آزمایشگاه مرجع سلامت» تغییر نام یافته که وظیفه آن بیشتر تدوین استانداردها، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و قوانین مربوط به آزمایشگاه‌ها و نظارت بر اجرای صحیح آن‌ها در آزمایشگاه‌های کشور است.

